

نیمسال نامه ی مطالعات قرآنی و روایی  
سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، ص ۹ - ۲۹

## تحلیل رابطه باهم‌آیی واژگان در قرآن کریم (مطالعه موردی سوره بقره)

دکتر سید حسین سیدی<sup>۱</sup>

الهام اخلاقی<sup>۲</sup>

### چکیده

باهم‌آیی وقوع دو یا چند کلمه با فاصله کوتاهی درون یک پیکره زبانی است که انتخاب هر واژه بر روی انتخاب سایر واژگان و وقوع آن‌ها اثر می‌گذارد. در این مقاله ابتدا تعاریف مختلف باهم‌آیی بیان شده است و سپس پیشینه نسبتاً مبسوطی از این موضوع ارائه شده است. بعد از معرفی ۱۵ رابطه معنایی مهم که به طور بالقوه می‌توانند بین واژگان برقرار باشند، به بررسی واژگان باهم‌آیند سوره مبارکه بقره پرداخته شده است. برای رسیدن به این هدف، واژگانی که در متن عربی قرآن به صورت باهم‌آیند وجود دارند، استخراج شدند. سپس این ۵۴ صورت باهم‌آیند بر اساس روابط معنایی مذکور طبقه‌بندی شدند. این بررسی که برای اولین بار بر روی قرآن کریم انجام می‌شود، به نتایج ارزشمندی منجر شد که هیچ کدام از پژوهش‌های پیشین به آن اشاره نکرده بودند. از جمله اینکه باهم‌آیی می‌تواند یک‌سویه یا دو سویه باشد، و دیگر آن که مترجمان برای شیواتر کردن متن مورد ترجمه خود، چند برابر بیشتر از متن اصلی از کلمات باهم‌آیند استفاده می‌کنند. در این پژوهش تعداد وقوع برخی از کلمات باهم‌آیند قرآن به صورت اتفاقی از بین کلمات باهم‌آیند انتخاب و در کل مصحف شریف شمارش شدند تا نشان داده شود کلمات باهم‌آیند وقوع بالایی با هم دارند. نتیجه این که رابطه معنایی تقابل پرکاربردترین رابطه بین کلمات باهم‌آیند متن قرآن است، ضمن اینکه برخی از روابط معنایی اصلاً در کلمات مذکور مشاهده نشد. کلمات باهم‌آیند استخراج شده از نظر داشتن فاصله با هم و یا نداشتن فاصله نیز مورد بررسی قرار گرفتند و نتیجه به دست آمده نشان داد باهم‌آیی بدون فاصله به میزان تقریباً ۳ برابر بیشتر از باهم‌آیی بافاصله در سوره بقره استفاده شده است.

**کلیدواژه:** سوره بقره، روابط واژگانی، رابطه باهم‌آیی

<sup>۱</sup> - استاد گروه عربی دانشگاه فردوسی مشهد hosein\_seyyedi@yahoo.com

<sup>۲</sup> - نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری زبان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد elhamakhlghi80@ymail.com

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۲/۱۰/۱۹

تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۱۲/۳

### ۱. مقدمه: مفهوم و کاربرد با هم‌آیی

در معنی‌شناسی، به همنشینی و وقوع واحدهای زبانی با یکدیگر، باهم‌آیی<sup>۱</sup> گویند. باهم‌آیی‌ها در هر جامعه‌ای دارای اهمیت بالایی هستند و ارتباط نزدیکی با نگرش‌ها، ادبیات و رسم و رسوم آن جامعه دارند. برای نمونه از میان واژه‌های پیر، کهن و کهنسال، واژه کتاب تنها با صفت کهنه امکان باهم‌آیی می‌یابد و سایر صورت‌ها نامصطلح است. باهم‌آیی می‌تواند تا حدی باشد که باهم‌آیی مطلق<sup>۲</sup> به حساب آید. در چنین شرایطی یک واحد واژگانی تنها در همنشینی با واحد واژگانی مشخص امکان وقوع خواهد یافت. مانند واژه بلوند در زبان فارسی که تنها در باهم‌آیی واژه مو قرار می‌گیرد. به هنگام وقوع باهم‌آیی مطلق، واحد واژگانی بی‌نشان حشو تلقی خواهد شد و می‌تواند حذف شود. مانند حذف واژه اسب در باهم‌آیی با شیهه (صدای شیهه (ی اسب) از داخل اصطبل به گوش می‌رسید) (صفوی، ۱۳۸۴: ۲۲). البته این امکان حذف در باهم‌آیی مطلق جامعیت ندارد. چنانچه در باهم‌آیی «اقصی نقاط»، هیچ کدام از واحدها قابل حذف نیستند.

مسأله دیگری که در بحث روابط باهم‌آیی مطرح است، داشتن فاصله یا عدم داشتن فاصله بین عناصر باهم‌آیند است. برای نمونه اگر در جمله‌ای گفته شود «شب و روز برایم یکی شده است»، عناصر باهم‌آیند شب و روز بدون فاصله استفاده شده است. لازم به ذکر است که وجود عناصر ربطی را مبنی بر وجود فاصله بین این دسته از کلمات نمی‌دانیم. اما اگر گفته شود «هر شب با ناامیدی می‌خوابم و هر صبح با امیدواری برمی‌خیزم»، می‌توان گفت دو عنصر باهم‌آیند شب و صبح که دارای رابطه تقابل هستند، با فاصله از هم در یک عبارت به کار رفته‌اند. به عنوان نمونه *ارض و سماء* در آیه‌های ۲۲، ۲۹، ۲۵۵ و ۱۶۴ سوره بقره با فاصله از یکدیگر به کار برده شده‌اند. در حالی که همین کلمات باهم‌آیند، در آیات ۱۰۷، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۶۴ و ۲۵۵ این سوره، بدون فاصله از هم وجود دارند.

عوامل زیادی مانند ویژگی‌های دستوری، معنایی، صوتی، کاربردی، بسامد وقوع، نزدیکی رابطه، و غیره می‌توانند در چگونگی و تعداد واژه‌هایی که می‌توانند با یک واژه همنشین شوند، دخیل باشند. با هم‌آیی می‌تواند از نوع متداعی باشد. بدین ترتیب که تداعی واحدهای واژگانی و همنشینی آن‌ها بر حسب ویژگی‌ای است که آن‌ها را در یک حوزه معنایی قرار می‌دهد. مانند کاربرد ابر و باد و مه و خورشید و فلک در شعر سعدی. در باهم‌آیی متداعی<sup>۳</sup> این امکان وجود دارد که یک واحد واژگانی بر حسب حضور در حوزه‌های معنایی مختلف، در باهم‌آیی با واحدهای

<sup>۱</sup> . Collocation

<sup>۲</sup> . Absolute collocation

<sup>۳</sup> . Associative collocation

مختلفی قرار گیرد. برای نمونه بلبل در حوزه معنایی پرندگان کوچک در باهم‌آیی متداعی گنجشگ، قناری و پرستو قرار می‌گیرد و در حوزه‌ای دیگر در باهم‌آیی متداعی شمع و گل و پروانه وقوع می‌یابد. گاه این نوع باهم‌آیی در حوزه آوایی زبان، واژه‌هایی نظیر اشک و مشک را در هم‌نشینی با یکدیگر قرار می‌دهد. در باهم‌آیی هم‌نشینی<sup>۱</sup> وقوع واحدهای واژگانی بر روی محور هم‌نشینی به دلیل ویژگی یا ویژگی‌های مشترکشان است. برای نمونه برف با سفید در باهم‌آیی هم‌نشینی با یکدیگرند (همان، ۱۳۸۷: ۱۹۹). آن‌چه در این پژوهش مورد نظر است، باهم‌آیی متداعی است.

## ۲. پیشینه

از دهه ۱۹۵۰ به بعد، تلاش‌های بسیاری برای تعریف و دسته‌بندی انواع باهم‌آیی صورت پذیرفته است. افراد مختلف تعاریف یکسانی از باهم‌آیی بدست نداده‌اند. فرث (۱۹۵۶) عقیده داشت بسیاری از واژگان با واژگانی که آن‌ها را همراهی می‌کنند، مرتبط هستند. اصطلاح باهم‌آیی را نخستین بار وی مطرح کرده است (فرث، ۱۹۶۷: ۹۰). یول (۲۰۰۶)، باهم‌آیی را بخشی از دانش واژگانی انسان‌ها می‌داند که تمایل دارند با یکدیگر به وقوع بپیوندند (یول، ۲۰۰۶: ۱۰۸). کروس (۱۹۸۶) باهم‌آیی‌ها را توالی واژه‌هایی می‌داند که طبق عادت با هم به کار می‌روند (کروس، ۱۹۸۶: ۴۰).

فرامکین و دیگران (۲۰۰۲) باهم‌آیی را وقوع دو یا چند کلمه با فاصله کوتاهی درون یک پیکره زبانی دانسته‌اند که انتخاب هر واژه بر روی انتخاب سایر واژگان و وقوع آن‌ها اثر می‌گذارد (فرامکین، رادمن و هیامس، ۲۰۰۲: ۴۱۳). گر چه محور اصلی این تعاریف یکی است اما اندک تفاوتی در هر تعریف مشاهده می‌شود. مثلاً باهم‌آیی را وقوع دو یا چند واژه می‌دانند که در برخی ویژگی‌های متداعی مانند نقش انسجامی با هم مشترک هستند (هالیدی و حسن ۱۹۷۸ و سینکلر، ۱۹۹۵)، وقوع همزمان عناصری که از نظر آماری بسامد زیادی دارند (سونگ، ۲۰۰۳: ۱۷)، همراهی واژگان (لويس، ۱۹۹۰)، تداعی واژگانی (بنسون، ۱۹۸۶)، زبان کلیشه‌ای، رابطه هم‌نشینی و خوشه‌های واژگانی از دیگر تعاریف و اصطلاحاتی است که برای باهم‌آیی بیان شده است. به جز تعاریف باهم‌آیی که بیان شد، کارهایی عملی نیز در این رابطه انجام شده است. مفهوم باهم‌آیی را نخستین بار در زبان فارسی باطنی در وصف ساختمان دستوری زبان فارسی بر اساس نظریه مقوله و میزان هلیدی شناساند و چنین تعریف کرد که سازگاری اعضای طبقات را با یکدیگر در روی زنجیر گفتار هم‌نشینی (باهم‌آیی) می‌گوییم (باطنی، ۱۳۴۸: ۵۷).

<sup>۱</sup> . Syntagmatic collocation

ملانظر ۱۳۶۹ (۱۹۹۰) نقش باهم‌آیی را در ترجمه بررسی کرده است. وی نشان می‌دهد که ترکیب خوش‌ساخت و زنجیره بهنجار واژه‌ها در زبان مبدأ، در ترجمه به زبان مقصد، ممکن است بدساخت گردد. ناهنجاری زنجیره واژگانی در زبان مقصد، مربوط به تفاوت امکانات باهم‌آیی در زبان مبدأ با متناظر آن در زبان مقصد و تفاوت معانی ترکیبات متناظر در دو زبان است (ملانظر، ۱۹۹۰: ۱)

رسام در فصلی از تحقیق خویش به بررسی رابطه باهم‌آیی افعال مرکب پرداخته است. وی رابطه باهم‌آیی را از ویژگی‌های مهم زبانی می‌خواند و به کمک آن مقوله‌بندی تازه‌ای برای افعال مرکب زبان فارسی عرضه می‌کند. به نظر او رابطه باهم‌آیی در تعیین هویت واژه اهمیت خاصی می‌یابد و واژه در متن به کمک هم‌نشینی با واژه دیگر معنی پیدا می‌کند. رسام در این پژوهش با بهره‌گیری از رابطه باهم‌آیی به بازشناسی فعل و وابسته‌اش می‌پردازد (رسام، ۱۳۷۵، ۴ و ۱۰۴).

شهریاری نیز محدودیت باهم‌آیی واژگانی را در ترجمه بررسی کرده است. وی به مطالعه و مقایسه انواع ترکیبات با هم‌آیند متناظر در زبان‌های مبدأ و مقصد پرداخته است (شهریاری، ۱۳۷۸: ۱).

افراشی بر این عقیده است که نظام عناصر زبان بر پایه جانشینی و هم‌نشینی است. باهم‌آیی را رابطه‌ای ساختی میان واژه‌ها تعریف می‌کند که در نتیجه آمیزه‌ای از صرف و معنی روی می‌دهد. افراشی نشان می‌دهد که در باهم‌آیی درون زبانی، امکان وقوع عناصر زبانی در کنار هم و بر روی محور هم‌نشینی تحقق می‌یابد و تمام هم‌آیندهای قوی با احتمال زیاد وقوع در کنار هم، در این طبقه‌بندی قرار می‌گیرند (افراشی، ۱۳۷۸: ۷۸).

نوروزی معتقد است یکی از مؤلفه‌های دانش واژگانی، آگاهی از رابطه هر واژه با واژه‌های دیگر است؛ یعنی شناخت یک واژه، شامل آگاهی از امکان ترکیب‌پذیری آن و وقوع آن در ترکیبات احتمالی نیز هست. از این رو بخش بزرگی از یادگیری واژگان در مقطع متوسطه و در مراحل پیش‌رفته باید به یادگیری و آموزش واژگان باهم‌آیند اختصاص یابد (نوروزی، ۱۳۷۸: ۲). پناهی، در پژوهش خود به توصیف مفهوم باهم‌آیی در زبان فارسی با توجه به نقش ترکیبات هم‌آیند در مسائل کاربردی این زبان پرداخته است. وی در بررسی باهم‌آیی از نظرگاه‌های معنایی، ساخت‌واژی و نحوی، به این نتیجه رسید که تبیین و توضیح آن بر اساس معناشناسی موجه‌تر است (پناهی، ۱۳۸۱).

شریفی اهمیت باهم‌آیی واژگانی در امر آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان را بررسی کرده‌است. او پیشنهاد کرده‌است که آموزش واژگان به صورت باهم‌آیی نتیجه بهتری را در بر

خواهد داشت (شریفی، ۱۳۸۷: ۲۱۹). شریفی همراه ابراهیمی در اثر دیگری به بررسی ریشه شناسی و علل باهم‌آیی‌های زبان فارسی پرداخته‌اند. بر این اساس بسیاری از باهم‌آیی‌ها به علت داشتن ریشه علمی، ریشه در اشعار شعرا و ریشه در قرآن بوجود آمده‌اند (شریفی و ابراهیمی، ۲۰۱۲).

شریفی و نامور، در اثر مشترکی تقسیم‌بندی متفاوتی از باهم‌آیی براساس ویژگی‌های فرامتنی ارائه کرده‌اند. در این بررسی، بسامد، واژه محوری، سرایت واژگی، چگونگی فاصله میان واژه‌ها، مشخصه‌های انتخاب معنایی، جدایی‌پذیری، قابلیت گسترش و شم زبانی به عنوان هشت معیار شناخت باهم‌آیی معرفی شده‌اند. بر این اساس باهم‌آیی می‌تواند با فاصله یا بدون فاصله باشند؛ این رابطه می‌تواند بر اساس نزدیکی معنایی با هم شکل بگیرد؛ آن‌ها می‌توانند رابطه صوتی با هم داشته باشند؛ رابطه آن‌ها می‌تواند بر اساس بافت شکل بگیرد؛ همچنین باهم‌آیی می‌تواند واژگانی، موقعیتی یا فرهنگی باشد (شریفی و نامور، ۱۳۸۹).

پهلوان‌نژاد و ابراهیمی، به بررسی باهم‌آیی‌های مثنوی معنوی مولانا پرداخته‌اند. آن‌ها در این پژوهش باهم‌آیی‌های مثنوی را به انواع متضاد، موقعیتی، تاریخی، مترادف و قرآنی تقسیم کرده‌اند. (۲۰۱۲)

ابراهیمی و دیگران (۲۰۱۲، الف)، در مقاله خود به بررسی باهم‌آیی‌های قرآنی بوستان سعدی پرداخته‌اند و انواع باهم‌آیی بوستان را که ریشه در قرآن دارد را استخراج کرده‌اند. از جمله آتش و ابراهیم، موسی و نیل، عصای موسی، دست موسی، یوسف و زلیخا، یونس و ماهی، ثروت قارون، نفخه صور، ابلیس و سجده، شب قدر و یاجوج و ماجوج. آن‌ها پس از معرفی هر کدام از این باهم‌آیی‌ها، به ذکر داستان آن نیز پرداخته‌اند. ابراهیمی (۲۰۱۲، ب) در اثر دیگری به بررسی ریشه‌شناسی باهم‌آیی‌های خمسه نظامی پرداخته است. بر اساس نتایج حاصل از این پژوهش، اکثر باهم‌آیی‌های خمسه نظامی از نوع مترادف یا تضاد هستند و قرآن و افسانه‌ها نیز در بوجود آمدن باهم‌آیی‌های این اثر مؤثر محسوب شده است.

همانگونه که در این پیشینه مشاهده می‌شود، تا کنون باهم‌آیی‌های متن کتاب آسمانی ما مسلمانان، قرآن مورد بررسی قرار نگرفته است. در پژوهش حاضر برای اولین بار به بررسی باهم‌آیی‌های موجود در قرآن پرداخته می‌شود. برای بالا بردن ظرافت و دقت کار، سوره مبارکه بقره برای پژوهش انتخاب شده است. همانگونه که مشاهده شد، می‌توان باهم‌آیی را از مناظر گوناگون بررسی کرد و آنچه در پژوهش حاضر مورد نظر است، بررسی روابط معنایی باهم‌آیی است. در ادامه ابتدا انواع روابط معنایی ممکن معرفی خواهد شد و سپس باهم‌آیی‌های سوره بقره از این بابت بررسی می‌شود.

### ۳. انواع باهم‌آیی

هر متن حاصل به هم پیوستن مجموعه‌ای از جملات است که رابطه میان این جملات و واژگان، تصادفی و دلخواهی نیست؛ بلکه، همه عناصر و اجزای جملات به نوعی با سایر عناصر و اجزا ارتباط دارند و مجموعه آن‌ها کلیت منسجم و هماهنگی را به وجود می‌آورند که در آن همه عناصر سازنده متن بر اساس اصول و قواعد معینی به هم پیوسته‌اند. باهم‌آیی از مباحث بنیادین زبان‌شناسی است که بیانگر وجود تناسب و رابطه معنایی میان واژگان است و با واژه‌سازی و معنا-شناسی ارتباط ناگسستنی دارد. منظور از باهم‌آیی ترکیب‌شدن واژه‌ها با یکدیگر بر روی محور همنشینی زبان است. در این صورت، به دلیل کاربرد زیاد برخی از جفت واژه‌ها با یکدیگر، وقتی یکی از آن دو واژه در بافت زبانی مشاهده می‌شود، انتظار می‌رود که واژه دیگر نیز در همان بافت و در کنار آن واژه ذکر شود و یا دست کم واژه دیگر ناخودآگاه در ذهن تداعی شود. می‌توان رابطه معنایی و مفهومی کلمات با هم‌آیند را به انواع مختلف تقسیم کرد، یعنی می‌توان نوع رابطه مفهومی موجود بین دو کلمه یک متن را تعیین نمود. مواردی که در ادامه ذکر می‌شود از مهم‌ترین روابط مفهومی موجود در سطح واژگانی است.

#### ۳.۱. شمول معنایی (Hyponymy)

این امکان وجود دارد که مفهومی بتواند یک یا چند مفهوم دیگر را شامل شود در چنین شرایطی رابطه شمول معنایی مطرح خواهد بود. (پالمر، ۱۳۷۴:۱۳۲). مثلاً مفهوم واژه گل مفهوم واژه‌های لاله، سنبل، میخک، رز و ... را در برمی‌گیرد. در این‌جا، گل واژه شامل (Super ordinate) و لاله، سنبل، میخک و رز زیر شمول هستند. واژه‌های زیر شمول نسبت به یکدیگر، واژه‌های هم‌شمول<sup>۱</sup> هستند. لازم به ذکر است که واژه زیرشمول نوعی از واژه شامل است. می‌توان به نمونه اثم و عدوان به معنی گناه و تجاوز در آیه ۸۵ سوره بقره اشاره کرد که در این نمونه، تجاوز نوعی گناه محسوب می‌شود، گناه واژه شامل و تجاوز زیر شمول آن است. در نتیجه رابطه از نوع شمول معنایی است.

#### ۳.۲. جزء واژگی (meronymy)

جزء واژگی یکی دیگر از روابط مفهومی میان اقلام واژگانی است که رابطه کل به جزء را میان دو مفهوم نشان می‌دهد. این رابطه نیز همچون شمول معنایی نوعی رابطه سلسله مراتب است مانند رابطه دست با بازو، آرنج، مچ و دست که دست دوم شامل انگشت و ناخن می‌شود.

<sup>۱</sup> . Co-hyponymy

در اینجا مسأله همنام بودن مشاهده می‌شود و می‌توان آن را جزءواژگی همنام نامید. در جزء-واژگی برخلاف شمول معنایی واژه‌ای که جزء نامیده می‌شود جزئی از واژه کل است. مثلاً انگشت جزئی از دست است و نه نوعی از آن. نکته دیگر این که گرچه ناخن به انگشت و انگشت به دست مرتبط است، اما منجر به همان نوع رابطه بین ناخن و دست نمی‌شود. یعنی نمی‌توان گفت ناخن جزء دست است (لوپنر، ۲۰۰۲:۹۷). جزء واژگی در اجزای غیرمادی هم وجود دارد مانند مراحل مختلف رشد که تولد، نوزادی، کودکی و .. جزء آن هستند. بر اساس بررسی انجام شده، این رابطه در سوره بقره مشاهده نشد.

### ۳.۳. عضو واژگی (member – collection)

عضو واژگی یکی دیگر از انواع روابط مفهومی است که رابطه میان واژه‌ای را به مثابه یک عضو نسبت به واژه دیگری نشان می‌دهد که به مجموعه آن اعضا دلالت دارد. در این باره می‌توان به طور مثال از رابطه اسب نسبت به گله یا درخت نسبت به جنگل سخن گفت، درخت عضو جنگل است. این نوع رابطه در میان عناصر باهم‌آیند سوره بقره مشاهده نشد.

### ۳.۴. هم‌معنایی (synonymy)

هم‌معنایی یا مترادف، یکی از شناخته شده‌ترین روابط مفهومی است. دو واژه هم‌معنا را می‌توان به جای یکدیگر به کار برد، گرچه هم‌معنایی مطلق وجود ندارد (پالمر، ۱۳۷۴: ۱۱۴-۱۰۷). دو واژه به اصطلاح هم‌معنی ممکن است در رابطه شمول معنایی با یکدیگر باشند؛ به این معنی که یکی واژه شامل و دیگری واژه زیر شمول به حساب آید. مانند ماشین و اتومبیل که گرچه مترادف هستند، اما ماشین واژه شامل به حساب می‌آید.

دو واژه هم‌معنی ممکن است به دلیل واژه‌های همنشین نتوانند جانشین یکدیگر شوند. به عبارت دقیق‌تر این امکان وجود دارد که چنین واژه‌هایی کاربرد متفاوتی داشته باشند مانند خانه و منزل. این امکان وجود دارد که واژه‌های به اصطلاح هم‌معنی به گونه‌های زبانی مختلفی تعلق داشته باشند. به عنوان نمونه در گونه فارسی شیرازی به سیب‌زمینی، آلو گفته می‌شود. اما نمی‌توان آلو را جانشین سیب‌زمینی در سایر گونه‌ها کرد. این امکان را نباید از نظر دور داشت که واژه‌های به اصطلاح هم‌معنی ممکن است از نظر عاطفی با یکدیگر تفاوت داشته باشند، مانند قد بلند، دراز و رشید. به طور کل می‌توان هم‌معنایی را به سه دسته بافت مقید، تحلیلی و ضمنی تقسیم کرد. این رابطه یکی از پرکاربردترین موارد مشاهده شده در اکثر بافت‌های زبانی است. از این دست می‌توان به مورد **ذله و مسکنه** در آیه ۶۱ سوره بقره اشاره کرد که هر دو تقریباً به یک معنا هستند.

### ۳.۵. تقابل معنایی (semantic opposition)

اصطلاح تقابل معنایی هنگام بحث درباره مفاهیم متقابل یا در اصطلاح سنتی، معانی متضاد واژه‌ها به کار می‌رود. اما تضاد صرفاً گونه‌ای از تقابل به حساب می‌آید. و تقابل انواع مختلفی دارد:

- تقابل مدرج (gradable opposition): در آن نفی یکی از واژه‌های متقابل اثبات واژه دیگر نیست. مثل جوانی.

- تقابل مکمل (complementary opposition): در این تقابل نفی یکی از دو واژه متقابل، اثبات واژه دیگر است، مانند زنده و مرده.

- تقابل دوسویه (symmetrical opposition): مانند رابطه خرید / فروش، زد / خورد و زن / شوهر.

- تقابل جهتی (directional opposition): مانند رفت / آمد و شمال / جنوب.

- تقابل واژگانی (lexical opposition): که به کمک واژه‌های منفی‌ساز بوجود می‌آیند: آگاه / ناآگاه.

- تقابل ضمنی (connotational opposition): زمانی است که دو واژه در معنی ضمنی خود در تقابل با یکدیگر قرار گیرند. مانند کارد / پنیر.

- تقابل معنایی (semantic contrast): نوعی تقابل معنایی است که میان مفهوم چند واژه در یک حوزه معنایی پدید می‌آید و در آن نفی یکی از آن‌ها تایید دیگر اعضای این حوزه است. خود به دو دسته *تباین متناظر* مثل شمال و جنوب و *تباین خطی* تقسیم می‌شود. *تباین خطی* به دو نوع *تباین ردیفی* مثل «گرم / ولرم / سرد» که ترتیبی از واژه‌های متباین است که در دو سوی ابتدا و انتهایشان دو واژه‌ی متقابل قرار گرفته باشند و *تباین مدور* مثل ایام هفته تقسیم می‌شود.

از موارد مشاهده شده تقابل معنایی در سوره بقره می‌توان به *ارض و سماء، تبذون و تکتمون، دنیا و قیامه، مرء و زوجة، ضرّ و نفع، مشرق و مغرب، لیل و نهار* و از این قبیل اشاره کرد که هر کدام در تضاد و تقابل واژه مقابل خود قرار دارند.

### ۳.۶. رابطه وسیله و ابزار

در این نوع رابطه یکی از واژه‌ها یک وسیله می‌باشد که عموماً در مکان خاصی وجود دارد. مثل یخچال / آشپزخانه، یا ابزاری است که در کاری به کار می‌رود، مثل چکش / نجاری (ایزانلو، ۱۳۸ و ۶۲). بر اساس بررسی به‌عمل آمده، این رابطه در سوره بقره وجود ندارد.

### ۳.۷. رابطه جنسی



این رابطه، رابطه معنایی میان واژه‌هایی است که یکی به عنوان ماده سازنده دیگری تعریف می‌شود. البته بسیاری اشیا به اشکال و جنس‌های متفاوتی وجود دارد برای مثال صندلی از جنس چوبی وجود دارد و نیز از جنس آهنی و ... اما بسیاری از چیزها مانند نان، تنها از جنس خمیر ساخته می‌شوند. رابطه باهمایی جنسی نیز در سوره بقره مشاهده نشد.

### ۳.۸. رابطه مکانی

رابطه بسیاری از واژه‌ها از نوع مکانی می‌باشد. معمولاً پدیده‌ای فیزیکی مانند صندلی برای امر خاصی مثل محل نشستن به کار می‌رود یا این‌که اتاق محل زندگی یا سکونت است و ... رابطه مکانی زیربخش‌هایی هم دارد.

- رابطه بالاتری: برای نشان دادن ارتباط جفت واژه‌هایی است که یکی از آن‌ها از لحاظ موقعیت مکانی بالاتر از واژه‌ی دیگر قرار می‌گیرد. مانند ابرو بالای چشم. همان‌طور که می‌بینید ذکر موقعیت بالاتری یک مفهوم نسبت به دیگری برای ارائه تعریف جامع از آن الزامی است.

- رابطه درون: نشان می‌دهد چیزی درون دیگری است. مثل ارتباط شکم و معده. این رابطه ظرف و مظروف هم خوانده می‌شود.

- رابط محل خروج: مثل دود و دودکش.

- رابطه کنار: به نزدیکی مکانی دو مفهوم اشاره می‌کند. مثل رابطه ساحل و دریا.

- رابطه محل کار: در این رابطه یک واژه به عنوان مکانی معرفی می‌شود که به منظور کار معینی به کار می‌رود. مثل پرستار / بیمارستان.

- رابطه دور: برای جفت‌هایی مثل انگشتر / انگشت، دستبند / دست و معنای یکی از واژه‌ها به وسیله موقعیت مکانی و فضایی ویژه نسبت به واژه دیگر مشخص می‌شود.

از جمله موارد رابطه مکانی در سوره بقره می‌توان به **صفا و مروه** در آیه ۱۵۸ این سوره اشاره کرد که رابطه آن‌ها از نوع کنار است.

### ۳.۹. رابطه علی

اصل علت و معلول، در واژگان زیادی مشاهده می‌شود. یعنی یک واژه از دو واژه باهمیند علت دیگری محسوب می‌شود، مثل رابطه میکروب با بیماری. رابطه **منا و اذی** در آیه ۲۶۲ و ۲۶۴ سوره بقره از این دست است. می‌توان گفت من باعث اذیت و آزار می‌شود.

### ۳.۱۰. رابطه اسنادی

روابط اسنادی توصیف کلمات هستند. مثل راحت برای صندلی (کارول، ۲۰۰۸: ۱۰۸). یکی از مهم‌ترین زیربخش‌های رابطه اسنادی رابطه بودن است که برای جفت‌هایی است که یک واژه صفت و واژه دیگر اسمی است که از طریق فرایندهای اشتقاقی بدست آمده است. مانند نامیدی،

بزرگی، کوچکی، پاکیزگی، خساست، حسادت، رفاقت و ... . برای نمونه حسادت به معنای حسود بودن و رفاقت، رفیق بودن و ... می‌باشد. می‌توان اجزاء مشخصه‌های تعریف‌کننده اسامی را نیز از این نوع رابطه مثل قناری / زرد - قرقی / شکاری و ... قرار داد. کلمات باهم‌آیند **رحمن و رحیم، سمیع و علیم و توابع رحیم**، از این دست هستند که همگی از صفات خداوند نیز محسوب می‌شوند.

### ۳.۱۱. رابطه خاص

این رابطه به مفاهیمی اشاره دارد که منحصرأ در رابطه با واژه خاص معنا می‌یابند و در حوزه‌ای خاص نمایان می‌شوند. مثل مسجد مخصوص مسلمانان یا قلاده مخصوص سگ. این رابطه در سوره بقره مشاهده نشد.

### ۳.۱۲. رابطه زمان

رابطه زمان برای جفت‌هایی به کار می‌رود که یکی از آن‌ها زمان انجام یا رخ دادن واژه‌ی دیگری باشد. مثل صبح / صبحانه، شب / شام یا ظهر / نهار. رابطه باهم‌آیند **شهر رمضان و انزل فیه قرآن**، از نوع رابطه زمانی است. یعنی ماه رمضان زمانی است که قرآن در آن نازل شده است.

### ۳.۱۳. رابطه نیاز

رابطه بسیاری از مفاهیم با همدیگر از نوع نیاز است. مانند خواب و خوراک و پوشاک برای انسان. در این رابطه ارتباط دو واژه بسیار نزدیک و وابسته به هم می‌باشد. برای نمونه انسان بدون خوراک نمی‌تواند زندگی کند. در کلمات باهم‌آیند استخراج شده، رابطه نیاز در کلمات باهم-آیند سوره بقره وجود ندارد.

### ۳.۱۴. رابطه باهمایی

این رابطه برای صفت‌هایی به کار می‌رود که ارتباط مسلم با هم دارند، اما نوع ارتباط در قالب روابط تعیین شده در بالا نمی‌گنجد. مثل قاشق / چنگال - برف / باران و ... . رابطه مواردی چون **موسی و هارون، حج و عمره، رکع و سجد، موسی و عیسی و رعد و برق** از نوع باهم‌آیی است.

### ۳.۱۵. رابطه نقشی

رابطه نقشی رابطه‌ای است که در آن واژه پاسخ، کاری با واژه محرک انجام می‌دهد. مثل نشستن برای صندلی (کارول، ۲۰۰۸: ۱۰۸). این نوع رابطه در سوره بقره مشاهده نشد. به طور یقین نمی‌توان تمام این روابط را در یک متن خاص پیدا کرد. در انجام این پژوهش و بررسی باهم‌آیی‌ها، تمام این روابط مد نظر نگارندگان بوده است و بر اساس آن انواع باهم‌آیی موجود در قرآن تقسیم‌بندی شده‌اند.

#### ۴. بررسی انواع باهم‌آیی موجود در سوره بقره

برای انجام این پژوهش از قرآن با ترجمه استاد فولادوند استفاده شده است. تمام آیات سوره بقره بررسی شدند و باهم‌آیی‌های سوره بقره استخراج گردید. سپس روابط معنایی این باهم‌آیی‌ها مورد بررسی قرار گرفت. شایان ذکر است که از بیان آن دسته از عناصری که فقط در زبان فارسی باهم‌آیند هستند صرف نظر شد. به عنوان نمونه کلمه تجارت در سرتاسر قرآن به معنای داد و ستد ترجمه شده است که در زبان فارسی باهم‌آیند محسوب می‌شود. همین‌طور است کلمه قُوَّة که در تمام قرآن به معنای جدّ و جهد ترجمه شده است. اما از آن‌جا که در متن عربی قرآن، تجارت و قوه یک کلمه هستند و با هیچ کلمه دیگری همراه نشده‌اند، آن‌ها را باهم‌آیی نمی‌دانیم. نتایج حاصل از این بررسی با توجه به توضیحاتی که در بخش‌های قبل ارائه گردید، به این قرار است:

شماره آیه	کلمات باهم‌آیند	معنی	نوع رابطه
۱	صَمُّ بَكْمٌ عُمِيٌّ	کر و لال و کور	اسنادی-بدون فاصله
۲	رَعْدٌ وَ بَرْقٌ	رعد و برق	باهم‌آیی-بدون فاصله
۳	الأَرْضِ وَ السَّمَاءِ	زمین و آسمان	تقابل-بافاصله
۴	الأَرْضِ وَ السَّمَاءِ	زمین و آسمان	تقابل-بدون فاصله
۵	حَيٌّ وَ مَيِّتٌ	زنده و مرده	تقابل-با فاصله

۲۰ / تحلیل رابطه باهم آیی واژگان در قرآن کریم (مطالعه موردی سوره بقره)

تقابل - بدون فاصله	زنده و مرده	حی و میت	۲۵۸ (۲ مرتبه) ، ۲۶۰	۶
باهم آیی - بدون فاصله	هفت آسمان	سَبَعِ سَمَوَاتٍ	۲۹	۷
هم معنایی - با فاصله	تسبیح و تقدیس	سَبَّحَ وَ قَدَّسَ	۳۰	۸
اسنادی - بدون فاصله	دانای حکیم	الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ	۳۲	۹
تقابل - با فاصله	آشکار و پنهان	تبدون و تکتمون	۳۳	۱۰
اسنادی - بدون فاصله	توبه پذیر مهربان	توَابِ الرَّحِيمِ	، ۳۷ ، ۵۴ ، ۱۲۸ ، ۱۶۰	۱۱
تقابل - بدون فاصله	حق و باطل	حَقَّ بِالْبَاطِلِ	۴۲	۱۲
باهم آیی - با فاصله	عصای موسی	عَصَا وَ مُوسَى	۶۰	۱۳
باهم آیی - بدون فاصله	بخورید و بیاشامید	كُلُوا وَ شَرَبُوا	۶۰ و ۱۸۷	۱۴
باهم آیی - با فاصله	سیر و پیاز	فُومٍ وَ بَصَلٍ	۶۱	۱۵

مطالعات قرآنی و روایی، سال اول، شماره دوم، پاییز وزمستان ۱۳۹۱/۲۱

هم‌معنایی - بدون فاصله	خواری و ناداری	دَلَّةٌ و الْمَسْكُنَةُ	۶۱	۱۶
هم‌معنایی - بافاصله	فضل و رحمت	فضل و رحمته	۶۴	۱۷
با هم آیی - بدون فاصله	یتیمان و مستمندان	يَتَمَّى وَالْمَسْكِينِ	۸۳	۱۸
باهم آیی - بدون فاصله	نماز و زکات	الصلوة و الزكوة	۸۳، ۱۱۰، ۱۷۷	۱۹
تقابل - با فاصله	دنیا و قیامت	الدُّنْيَا و الْقِيَامَةِ	۸۵	۲۰
شمول معنایی - بدون فاصله	گناه و تجاوز	بِالْآثِمِ و الْعُدْوَانِ	۸۵	۲۱
تقابل - بدون فاصله	دنیا و آخرت	الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ	۸۶	۲۲
باهم آیی - بدون فاصله	جبرئیل و میکائیل	جِبْرِيلَ و مِيكَائيلَ	۹۹	۲۳
تقابل - بدون فاصله	مرد و همسر	المرءِ و زوجته	۱۰۲	۲۴
تقابل - بافاصله	سود و زیان	ضُرٌّ و نَفْعَةٌ	۱۰۲	۲۵

۲۲ / تحلیل رابطه باهم‌آیی واژگان در قرآن کریم (مطالعه موردی سوره بقره)

استادی-بدون فاصله	ملک سلیمان	مَلِكِ سَلِيمٍ	۱۰۲	۲۶
باهم‌آیی- بدون فاصله	هاروت و ماروت	هَرُوتَ و مَرُوتَ	۱۰۲	۲۷
تقابل- بدون فاصله	شرق و غرب	المَشْرِقِ و المَغْرِبِ	۱۷۷، ۱۱۵	۲۸
تقابل- با فاصله	شرق و غرب	المَشْرِقِ و المَغْرِبِ	۲۵۸	۲۹
با هم آیی- بدون فاصله	ابراهیم و اسماعیل	ابْرَاهِيمَ و اِسْمَاعِيلَ	۱۳۳، ۱۲۵ ۱۴۰، ۱۳۶	۳۰
باهم‌آیی- بدون فاصله	رکوع و سجود	رُكُوعٍ و سُجُودٍ	۱۲۵	۳۱
استادی-بدون فاصله	شنوای دانا	سَمِيعٌ عَلِيمٌ	۱۳۷، ۱۲۷ ۲۲۷، ۲۲۴، ۱۸۱ ۲۵۶، ۲۴۴	۳۲
تقابل- بدون فاصله	یهودی و مسیحی	هُودًا و نَصْرَى	۱۳۵	۳۳
باهم‌آیی- بدون فاصله	موسی و عیسی	مُوسَى و عِيسَى	۱۳۶	۳۴
باهم‌آیی- بدون فاصله	اسحاق و یعقوب	اِسْحٰقَ و يَعْقُوبَ	۱۴۰، ۱۳۶	۳۵

مطالعات قرآنی و روایی، سال اول، شماره دوم، پاییز وزمستان ۱۳۹۱/۲۳

مکانی-بدون فاصله	صفا و مروه	الصفا و المروه	۱۵۸	۳۶
باهم آبی- بافاصله	حج واجب و حج عمره	حج و العمره	۱۵۸	۳۷
باهم آبی- بدون فاصله	حج واجب و عمره	حج و العمره	۱۹۶	۳۸
اسنادی-بدون فاصله	بخشایشگر مهربان	الرحمن الرحيم	۱۶۳	۳۹
تقابل-بدون فاصله	شب و روز	اليل و النهار	۱۶۴	۴۰
شمول معنایی-بدون فاصله	بدی و زشتی	سوء و الفحشاء	۱۶۹	۴۱
ندایی-بدون فاصله	ای کسانی که ایمان آورده- اید	يا ايها الذين امنوا	۲۰۸، ۱۷۳، ۲۶۷، ۲۶۴، ۲۵۴ ۲۸۲، ۲۷۸	۴۲
اسنادی-بدون فاصله	بخشنده مهربان	غفور الرحيم	۱۸۲، ۱۷۳، ۲۱۸، ۱۹۲، ۱۹۹ ۲۲۶	۴۳
تقابل-بدون فاصله	گمراهی و هدایت	الضلالة و الهدى	۱۷۵	۴۴

۲۴ / تحلیل رابطه باهم آیی واژگان در قرآن کریم (مطالعه موردی سوره بقره)

هم‌معنایی- بدون فاصله	سختی و زیان	البأساء و الضراء	۱۷۷	۴۵
زمانی-بدون فاصله	ماه رمضان و نزول قرآن	شهرالرمضا ن و انزل القرآن	۱۸۵	۴۶
با هم آیی- بدون فاصله	حق و باطل	هدی و الفرقان	۱۸۵	۴۷
تقابل-بافاصله	سفید و سیاه	الاسود و الفجر	۱۸۷	۴۸
تقابل-بافاصله	کافران و مؤمنان	کفروا و امنوا	۲۱۲	۴۹
تقابل-بدون فاصله	مادر و فرزند	وَلَدُهُ بَوْلَدٍ	۲۳۳	۵۰
تقابل- بدون فاصله	تنگی و گشایش	قبض و بصط	۲۴۵	۵۱
باهم آیی- بدون فاصله	موسی و هارون	موسی و هرون	۲۴۸	۵۲
تقابل-با فاصله	کفر و ایمان	ءامن و کفر	۲۵۳	۵۳
تقابل-بدون فاصله	راه و بیراهه	الرشد و الغی	۲۵۶	۵۴
تقابل-با	تاریکی و	النور و	۲۵۷ (۲ مرتبه)	۵۵



مطالعات قرآنی و روایی، سال اول، شماره دوم، پاییز وزمستان ۱۳۹۱/۲۵

فاصله	روشنایی	الظلمت		
علی (منت موجب آزار شده)- بدون فاصله	منت و آزار	منا و اذی	۲۶۴ و ۲۶۲	۵۶
تقابل-بدون فاصله	زن و مرد	رجل و امرأه	۲۸۲	۵۷

جدول ۱. باهم‌آیی‌های سوره مبارکه بقره

گفته شد باهم‌آیی یکی از ویژگی‌های هر زبان است که به ویژه در شکل‌دهی نظام واژگانی و نحوی زبان نقش مهمی را ایفا می‌کند. همان‌گونه که مشاهده شد، زبان قرآن نیز به خوبی از این پدیده برای بیان مفاهیم متفاوت استفاده کرده است. در جدول ۱ تعداد ۵۷ گزینه وجود دارد. از آنجا که موارد مشاهده شده از نظر فاصله نیز از یکدیگر متمایز شده‌اند، در مجموع ۵۴ کلمه باهم‌آیند از سوره بقره استخراج شده است. گفته می‌شود کلمات باهم‌آیند بسامد وقوع نسبتاً خوبی با هم دارند. برای اثبات این مقوله تعدادی از کلمات باهم‌آیند استخراج شده از سوره بقره به طور تصادفی انتخاب شدند و سپس در کل قرآن شمارش شدند. نتایج آن را در جدول شماره ۲ مشاهده می‌کنید:

کلمات با هم آیند	هفت آسمان	آسمان و زمین	مشرق و مغرب	ابراهیم و اسماعیل	شب و روز	بخشنده و مهربان	ای کسانی که ایمان آورده اید	موسی و هارون
تعداد	۷۵	۵۸	۲۷	۷	۳۴	۱۲۲	۸۹	۲۲

جدول ۲. شمارش بسامدی تعدادی از کلمات هم‌آیند سوره بقره در کل قرآن

همانگونه که مشاهده می‌شود، شمارش تعداد وقوع کلمات باهم‌آیند منتخب، نشان‌دهنده بسامد وقوع بالای این کلمات است. این نتیجه صحه بر درستی استخراج این کلمات است. البته

## ۲۶/ تحلیل رابطه باهم آیی واژگان در قرآن کریم (مطالعه موردی سوره بقره)

از میان ۱۵ رابطه معنایی بالقوه موجود، تنها ۸ رابطه در کلمات باهم آیند این سوره مشاهده شد که نتایج آن در جدول ۳ مشاهده می‌شود. علاوه بر روابطی که در بخش قبل توضیح داده شد، چون باهم آیی ای کسانی که ایمان آورده‌اید، در هیچ یک از روابط مذکور نگنجدید، عنوان ندایی برای دسته‌بندی آن انتخاب گردید.

نوع رابطه	اسنادی	باهم آیی	تقابل	هم معنایی	شمول معنایی	مکانی	زمانی	علی	ندایی
تعداد	۲۱	۲۱	۴۴	۴	۲	۱	۱	۲	۷

جدول ۳. تعداد روابط معنایی کلمات همایند سوره بقره

همان گونه که مشاهده شد، در سوره بقره ۱۰۲ مرتبه از رابطه باهمایی استفاده شده است (۵۴ رابطه مجزا که با تکرار برخی روابط در آیات دیگر و با توجه به نوع فاصله، ۱۰۲ مرتبه از رابطه باهمایی در کل سوره بقره استفاده شده است). در این میان رابطه تقابل بالاترین تعداد وقوع را به خود اختصاص داده است. از نظر میزان فاصله بین دو جزء باهم آیند، مشاهده شد که بیشتر صورت‌ها بدون فاصله با هم می‌آیند که نتایج آن در جدول ۴ قابل مشاهده است:

تعداد	باهم آیی بدون فاصله	باهم آیی فاصله‌دار
	۴۳	۱۵

جدول ۴. تعداد باهم آیی‌های فاصله‌دار و بدون فاصله

مسئلاً با بررسی کل قرآن نتایج را می‌توان با قطعیت بیشتری بیان نمود.

## نتیجه مقاله

به همنشینی و وقوع واحدهای زبانی با یکدیگر، باهم آیی می‌گویند. افراد مختلف با نگرش‌های متفاوت به بررسی این مقوله پرداخته‌اند که در بخش پیشینه به آن‌ها اشاره شد. متن عربی بزرگ‌ترین سوره قرآن کریم، سوره بقره برای تحلیل از نظر وجود باهم آیی انتخاب شد. همچنین ۱۵ رابطه معنایی متفاوت نیز معرفی گردید. با انجام این پژوهش تعداد ۵۴ صورت باهم آیند در ۱۰۲ نقطه از این سوره استخراج شد. تنها ۸ رابطه معنایی از میان روابط معرفی‌شده،

مشاهده شد. علاوه بر این رابطه جدید ندایی نیز بدست آمد. در این میان رابطه تقابل بیشترین وقوع را داشت و اکثر صورت‌های باهم‌آیند به صورت بدون فاصله مشاهده شدند. یکی از نتایج حاصل از این بررسی کشف باهم‌آیی از نوع یک سویه و دو سویه است. بدین ترتیب که در برخی از صورت‌های باهم‌آیند، تنها از یک صورت می‌توان به صورت دیگر رسید، در حالی که در سایر صورت‌ها از هر یک از صورت‌ها می‌توان به دیگری رسید. بر این اساس صورت‌هایی مثل زمین و آسمان که از هر یک می‌توان به هم‌آیندی دیگری رسید، دو سویه است و صورتی مانند هفت آسمان یک سویه است. از دیگر نتایج مهم این پژوهش این است که تعداد باهم‌آیی در صورت‌های ترجمه شده چند برابر صورت اصلی متن است. دلیل این عمل هدف مترجم برای شیواتر کردن متن است.

### کتابشناسی

۱. افراشی، آریتا، «نگاهی به مسأله باهم‌آیی واژگان»، *مجله زبان و ادب*، (۱۳۷۸)، سال سوم، بهار و تابستان، شش، ۷ و ۸، صص. ۷۳-۸۱.
۲. ایزانلو، علی، توصیف و بررسی شبکه معنایی واژگان فارسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، (۱۳۸۴).
۳. باطنی، محمدرضا، *توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی*، تهران: انتشارات امیرکبیر، (۱۳۴۸).
۴. پالمر، فرانک، *نگاهی تازه به معناشناسی*، کوروش صفوی (مترجم)، تهران: نشر نو، (۱۳۷۴).
۵. پناهی، ثریا، «فرآیند باهم‌آیی و ترکیبات باهم‌آیند در زبان فارسی»، *زبان و ادبیات، نامه فرهنگستان*، (۱۳۸۱)، بهار، ش. ۱۹، صص. ۱۹۹-۲۱۱.
۶. رسام، میر محمد حسین، طرح فرهنگی بافتی افعال فارسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، (۱۳۷۵).
۷. شریفی، شهلا و کرامتی، سریرا. «بررسی اهمیت باهم‌آیی واژگانی زبان فارسی در امر آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان»، (۱۳۸۷)، در *مجموعه مقالات سمینار آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان*، گردآورنده: تاج‌الدین، ضیاء‌الدین و عباسی، زهرا. ۵ دی. تهران: کانون زبان ایران. صص. ۲۱۹-۲۳۱.

۸. \_\_\_\_\_ و نامور، مجتبی، «تقسیم‌بندی جدید انواع باهم‌آیی واژگانی با در نظر گرفتن ویژگی فرامتنی در شکل‌گیری انواع باهم‌آیی». مجله زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان، (۱۳۹۲)، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد، س. ۵، ش. ۷، (زیر چاپ).
۹. شهریاری، زهرا، محدودیت باهم‌آیی واژگان، ترجمه و تحقیق، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران، (۱۳۷۸).
۱۰. صفوی، کوروش، فرهنگ توصیفی معنی‌شناسی، تهران: فرهنگ معاصر، (۱۳۸۴).
۱۱. \_\_\_\_\_ درآمدی بر معناشناسی، تهران: انتشارات سوره مهر، (۱۳۸۷).
۱۲. فولادوند، محمد مهدی، قرآن کریم، تهران: دارالقرآن الکریم، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، (۱۳۷۹).
۱۳. Benson, M. , “The Structure of the Collocational Dictionary”. *International Journal of Lexicography*, (1986), Vol 2, No I, 1- 14.
۱۴. Carroll, David w., *psychology & Language*, Thomson wads worth, (2008).
۱۵. Ebrahimi, Sh. & Pahlavannezhad, M. R. & Nadernezhad, G. , ‘The analysis of Quranic Collocation in the Orchard “Boostan of Sa’ di”’, (2012, a). Macrothink Institute.
۱۶. \_\_\_\_\_, ‘Assessing the Diachronic Etymology and Lexical Collocation in Nizami’s Khamseh’, (2012, b), India: language in India.
۱۷. Firth, J. R. *Modes of meaning*, In J. R. Firth. Paper in Linguistics. London: Oxford University Press, (1967).
۱۸. Cruse, G., *Lexical semantics*, Cambridge: Cambridge University Press, (1986).
۱۹. Fromkin, V. & Rodman, R. & Hyams, N., *An introduction to language* (7<sup>th</sup> ed.), Thompson Heilne, (2003).
۲۰. Haliday, M. A. K., & Hasan, R., *Cohesion in English*, London: Longman, (1978).
۲۱. Lewis, M. *The lexical approach*, Hove: Language teaching Publication, (1990).
۲۲. Lobner, Sebastian., *Understanding Semantics*, Arnold publishing, (2002).

- Mollanazar, H., "The Role of collocation translation", .۲۳  
Unpublished MA Thesis, (1990), Tehran: Tarbiat  
Modaress University.
- Nowruzi, Kh. M., "Sources of Collocation Clashes", In .۲۴  
Language & Literature, (1378), Year 1, No. 7 & 8, pp. 1 –  
11.
- Pahlavannezhad, M. R. & Ebrahimi, Sh., 'Assessing .۲۵  
in the Masnsvi Manavi by Maulana'. lexical Collocation  
(2012), India: language in India.
- Sinclair, J. M., *English collocations*, London: Harper .۲۶  
Collins Publisher, (1995).
- Sharifi, Sh. & Ebrahimi, sh. 'A Study into Historical .۲۷  
Etymology and causes of Collocation in Persian  
Language', (2012), India: Language in India.
- Sung, J., English lexical collocations and their relation to .۲۸  
spoken fluency of adult non-native speakers, (2003),  
Pennsylvania: Indian University of Pennsylvania.
- Yule, G., *The study of language*, (3<sup>rd</sup> ed.), Cambridge: .۲۹  
Cambridge University Press, (2006).